

عنوان مقاله: بررسی نقش خلاقیت در پیشرفت دانش آموزان ابتدایی

۱- صولت یوسفی سورانی ۲- امیرحسین بهشتی ۳- مهدی آذر نیود ۴- امیر دوست محمدی

۱- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی تربت حیدریه

۲- لیسانس دانشگاه فرهنگیان، سبزوار

۳- کارشناسی فقه و اصول

۴- مهندسی عمران دانشگاه آزاد تربت جام

چکیده:

آموزش و پرورش برای رشد خلاقیت و نواندیشی در دانش آموزان، باید به درک درست و روشنی از شرایط موجود برسند و درگام بعدی بر مبنای فلسفه ی تعلیم و تربیت و هدف های اصولی و معیارهای معتبر بکوشند، تصویر روشنی از شرایط مطلوب خلاقیت رسم کند. در این صورت میتواند با کمترین وقت، انرژی و سرمایه، مسیر پرورش و شکوفایی خلاقیت ها و نواندیشی های دانش آموزان را هموار سازد.

خلاقیت یک ویژگی صرفاً ذاتی نیست ، بلکه همه انسانها به درجات گوناگون از آن برخوردارند و به علاوه عواملی همچون مهارت یابی ، آموزش پذیری، انعطاف پذیری، سطح دانش و آگاهی ، خطرپذیری، نترسیدن از اشتباه و شکست نیز در میزان خلاقیت و نوآوری دانش آموزان تاثیر فراوان دارد. معلم می تواند همه این عوامل را به صورت یک مجموعه در دانش آموزان شناسایی کند و بکوشد آنها را پرورش دهد. از آنجا که مدرسه خانه دوم بچه ها به شمار می رود و در این محیط اجتماعی می شوند و یاد می گیرند معلمان باید بکوشند این استعداد را در همه دانش آموزان با روش های مختلف پرورش دهند تا در آینده و در جهانی که روز به روز پیچیده تر می شود موفقتر باشندوقتی از راههای پرورش خلاقیت صحبت می کنیم بی درنگ گمان می کنیم باید با نقش عوامل بازدارنده مبارزه کنیم. در این صورت تقویت خلاقیت در مقابل حذف عوامل بازدارنده فرض می شود، این اقدام را باید نخست مرحله پرورش خلاقیت به شمار آورد، در دنیای واقعی نقش عواملی که به تأخیر یا آسیب رسانی خلاقیت یاری می رساند خیلی زیاد است و این در حالی است که می دانیم خلاقیت به طور طبیعی به دنبال بستری مناسب برای رشد و تحول خویش می گردد. خلاقیت در روبرویی با عوامل بازدارنده از حرکت باز می ماند و چه بسا به نقطه ای برسد که برای همیشه خاموش شود. با پذیرش این نکته که خلاقیت تحت تأثیر عوامل آسیب زا از حرکت باز می ماند نقش عوامل بازدارنده معنادار می شود، بررسی نقش این عوامل نیز به معنی دار کردن فرآیند تحریک و تقویت دوباره رشد و تحول خلاقیت تحت عنوان «سرعت بخشی» یاری می رساند.

کلمات کلیدی: خلاقیت ، شکوفایی ، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان



مقدمه:

خلاقیت یکی از مفاهیم بحث برانگیز در حوزه روان شناسی به شمار می رود و در عصر حاضر مورد اقبال و نظر قرار گرفته است، بی شک در جهان فوق صنعتی امروز خلاقیت یکی از تکنیک های مهم و دستیابی به اکتشافات، اختراعات و پیشرفتهای علمی، فنی و هنری تلقی می شود. شاید بدین دلیل است که این قریحه در دوران کودکی بسیار مورد آموزش و حمایت قرار می گیرد (شکرکن، ۱۳۷۳)

اگر لحظه ای به جهان پهنوری که در آن به سر می بریم بیاندیشید با نگاهی دقیق تر و عمیق تر، به نشانه های بسیاری از تنوع خواهیم رسید. انسانها، حیوانات، گیاهان، آسمان و ستارگان، اعماق نا مکتشف، شب و روز، کوه ها و صخره ها، فصول مختلف و صدها نمونه دیگر نشانه هایی از تنوعی عظیم در عالم هستی است، بدون شک این تنوع ریشه در آفرینندگی خالق جهان دارد به تعبیر دیگر خداوند اولین خلاق جهان است و خلاقیت او تنوع و زیبایی مسحور کننده ای را در جهان نهاده است. انسان نیز به عنوان کامل ترین و عالی ترین مخلوق الهی و جانشین خالق، تنها متفکر خلاق در چرخه مخلوقات به شمار می رود البته نه به تمامی و کمال همچون خالق خود، اما او نیز به میزانی تحسین برانگیز به ابداع و آفرینش و خلق زیبایی های هنری، صنعتی و علمی همت می گمارد. آزاد کردن نیروهای مردم و قدرت خلاق آنان سرلوحه دورنمای آینده ای است که در برابر تکامل تعلیم و تربیت در جهان فردا گسترده است. در آشنایی کودک به زندگی جمعی و فرهنگ جامعه خانواده نقش مؤثری را اجرا می نماید موقعیت جو عاطفی، وضع اقتصادی، افکار، عقاید، آداب و رسوم ایده آله و آرزوهای والدین و سطح تربیت آنها در طرز رفتار کودکان نفوذ فراوان دارد و به این ترتیب خانواده جایی است که برای نخستین بار خود را می بینیم و صمیمیت و احساس را درک می کنیم و می آموزیم که احساس چیست و چگونه می توانیم آن را ابراز کنیم پدر و مادر هستند که احساسات قابل قبول را مشخص می سازند. عامل دیگر از شروع قرن بیست و یکم تا به حال که جو عاطفی خانواده نیز بر روی آن تأثیر می گذارد خلاقیت یک بشر است که یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش می باشد که متأسفانه به مسئله خلاقیت به صورت بنیادی و ریشه ای پرداخته نشده است و به رشد و شکوفایی آن اهمیت داده نمی شود در صورتیکه بایستی به خلاقیت و نوآوری که نیاز فعلی بشر می باشد توجه کلی کرد (سلیمان نژاد، ۱۳۷۱).

بیان مسئله

خانواده در مهیا ساختن بسترهای رشد و پرورش خلاقیت نقش مهمی بازی می کند؛ زیرا خلاقیت انسان تا حد زیادی وابسته به خانواده است این وابستگی باعث می شود بخش مهمی از عکس العملها، مهارت ها و تواناییهای فرزندان عمیقاً از نظام تربیتی و آموزشی خانواده متأثر شود، شاید آنقدر که بتوان گفت حتی الگوهای فردی زمینه ساز نیز تا حد زیادی بر نظام پرورشی و تربیتی (سازنده و مولد) خانواده تکیه می زند، خلاقیت در این تحقیق بدین گونه تعریف می شود فرد در راستای خلاقیتها بالقوه خود به بالفعل برسد و به درستی تواناییهایش را شناخته و در رسیدن به اهدافش از آنها استفاده کند، از چشم انداز روانشناسی نیز خلاقیت مفهوم یا پدیده ای یگانه و بدیع فرض شده است با این تأکید که خلاقیت یک فرایند روانی است، فرآیندی که به خلق کردن، ایده پروری، مفهوم سازی، ارایه اشکال هنری و علمی یا تولیدات صنعتی منجر می شود بنابراین خلاقیت یک فرایند روانی تصور می شود که یگانه بوده و خاصیتی ابداعی دارد. با توجه به اهمیتی که در مورد خانواده و نقش آن در خلاق بودن یا نبودن فرزندان گفته شد پژوهشگران تأکید زیادی بر شناسایی تأثیرات محیط خانواده در میزان خلاقیت نشان می دهند که از جمله این تأثیرات می توان به جو عاطفی خانواده، شیوه های تربیتی و نگرشهای تربیتی اشاره کرد. (علیرضا پیر خانی ۱۳۸۷)

اهمیت و ضرورت تحقیق

ممکن است تصور کنیم تأکید بر ایجاد خلاقیت در دانش آموزان تنها با انگیزه ی پیشرفت تحصیلی آنان است. اگرچه تأثیر بر پیشرفت تحصیلی آنان انکار شدنی نیست، نمی توان این تأثیرگذاری را به همین مورد محدود کرد. خلاقیت تنها با هوش و تفکر دانش آموز مرتبط نیست بلکه با شخصیت او نیز ارتباط کامل دارد.

خلاقیت بخش جدانشدنی از رشد فردی کودکان و نوجوانان است. هم والدین و هم مربیان و آموزگاران در تقویت خلاقیت در دانش آموزان سهم دارند.

عوامل مهم در پرورش خلاقیت دانش آموزان، این سه مورد هستند:

آموزگار: نیاز است آموزگاران به شغل و رشته‌ی خود مسلط باشند. علاقه‌مندی به شغل و رشته، قابل تفکیک از تسلط بر آن نیست.

دانش آموز: باید زمینه‌های پرورش خلاقیت در دانش آموزان وجود داشته باشد. هر دانش آموز باید نسبت به سبکی از یادگیری که برای او کارایی بیشتر دارد، آگاهی یابد.

برنامه درسی و تحصیلی: برنامه‌های درسی باید انعطاف لازم را برای ایجاد خلاقیت در دانش آموزان داشته باشند. اگر فشار روی معلم و دانش آموز باشد که تنها باید بر تدریس دروس اکتفا شود، فضایی برای رشد و شکوفایی خلاقیت پدید نخواهد آمد.

توجه به خلاقیت امروزه در سازمانها بسیار بیشتر از گذشته شده است تصور دلیل این علاقه زیاد به خلاقیت کار دشواری نیست در فرهنگ سریعاً در حال تغییری که زمینه های مطالعاتی جدیدی به وجود می آیند و در همین حال سایر مشاغل از بین می روند آماده سازی جوانان در مورد نقش آنها در چنین جامعه پویایی پیچیده تر می شود. اگر تنها حقایق خاصی را به آنها بیاموزیم با این مسأله بسیار واقعی روبرو می شویم که تا زمانی که کودک ۱۲ سال را در یک برنامه آموزشی بگذرانند آن حقایق دیگر مورد نیاز نیستند یا مشاغلی که به خاطر آن آماده می شدند دیگر وجود ندارند. این وضعیت را یکی از منتقدان سرسخت تعلیم و تربیت به نام سیلبدمن به خوبی چنین بیان کرده است: (گلمالکر، ترجمه مهدی زاده و رضوانی، ۱۳۸۱): تعلیم و تربیت برای عملی کردن بایستی فرد را برای کاری آماده کند که هنوز وجود ندارد و ماهیتش را حتی تصور هم نمی توان کرد، این امر تنها به این طریق انجام می پذیرد که به کودکان آموزش داده شود چگونه یاد بگیرند و به آنها نوعی انضباط فکری داده شود تا آنها را قادر سازد که اندوخته عقلی بشر را صرف مسائل تازه کند. نقش و اهمیت خلاقیت را می توان از سه جنبه کلی و عمومی و فردی و سازمانی مورد بررسی قرار داد. یکی از ضروریات آموزش و پرورش خلاقیت می باشد که این مسئله از مهمترین مسائل در قلمرو روان شناسی و آموزشگاهی است. زیرا تولید و پیشرفت مالی و سایر پیشرفتهای نوآوری به نفکرات نو و تازه یک فرد بستگی دارد و مهتر از پیشرفت و تولید کلبه فرهنگ و صنعت امروز به اندیشه های مبتکران و ابداع گران نیازمند است زیرا ملت ها و کشورهای پیشرفته معتقد هستند که امروز به جای فروش کالا باید به تولید دانش فنی و به جای دانش اندیشه های مصنوعی به تولید اندیشه های بدیع اقدام کنیم اولین شرط اجرای چنین سیاستی در زمینه های مناسب برای پرورش خلاقیتهاست و برای انجام این امر مهم شناخت عوامل مؤثر در ذهن و محیط فرهنگی و اجتماعی خانواده می باشد، خانواده اولین پایه گذار شخصیت و ارزشها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی آینده فرد دارد و اخلاق و صحت و سلامت روانی فرد تا حدود بسیار در گرو آن است و به عنوان یک واسطه از لحاظ تأثیر اجتماعی بر کودک اهمیت فراوانی دارد که با تربیت آنها به شکل صحیح و سالم و دقیق این موضوع مهم را حل نمود تا در جامعه آینده با مشکلات کمتری روبه رو شویم.

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی عوامل مؤثر در شکوفایی خلاقیت دانش آموزان

هدف جزئی

۱-بررسی رابطه بین رتبه تولد و تعداد فرزندان خانواده با میزان خلاقیت دانش آموزان

۲-بررسی رابطه میزان تحصیلات والدین با میزان خلاقیت دانش آموزان.

۳-بررسی رابطه میزان درآمد خانواده با خلاقیت دانش آموزان .

۴- بررسی رابطه بین در قید حیات بودن والدین دانش آموز با میزان خلاقیت آنها .

سوالات تحقیق

۱- آیا کم یا زیاد بودن فرزندان خانواده بر میزان یا وجود خلاقیت دانش آموزان تأثیر دارد؟

۲- آیا بالا بودن تحصیلات یا بی سواد بودن خانواده بر خلاقیت دانش آموزان تأثیر گذار است؟

۳- آیا در آمد بالای والدین بر خلاقیت و رشد آن در دانش آموز اثر گذار است؟

۴- آیا در قید حیات بودن والدین دانش آموزان در میزان خلاقیت آنها تأثیر گذار است ؟

فرضیات تحقیق

- بین خانواده های دارای فرزند کمتر و خلاقیت بیشتر فرزندان این خانواده ها رابطه معنی داری وجود دارد.

- بین دانش آموزی که در خانواده های با تحصیلات بالا زندگی کرده اند و خلاقیت زیاد آنان رابطه وجود دارد.

- بین در آمد بالای خانواده و رشد خلاقیت در فرد اعضای خانواده رابطه معنی داری وجود دارد.

- افرادی که خلاقیت بالاتری دارند والدین آنها در قید حیات هستند .

تعریف اصطلاحات و مفاهیم

خلاقیت

تعریف نظری : خلاقیت از دیدگاه روانشناسی پدیدار گردیدن تلفیقی از اندیشه های نو بوسیله شهود گرایی از منابع ناشناخته تعریف شده است (پاپالیا ۱۹۸۸) خلاقیت را توانایی دیدن چیزها در یک نظر نو و غیر معمولی دیدن مشکلاتی که هیچ کس دیگر امکان تشخیص موجود بودن آن را نمیدهد . و سپس ارائه ره یافت های جدید غیر معمولی و اثر بخش میداند لوتانز (۱۹۹۲) .

تعریف عملیاتی : منظور از خلاقیت نمره ای است که فرد در آزمون خلاقیت تورنس بدست می آورد

دانش آموز : در این تحقیق منظور از دانش آموز کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر گرمی در سال ۹۱-۹۲ است .

پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

مطالعات کنترل و جلسون (۱۹۷۲) نشان داد که مادران کودکان خلاق خیلی بیشتر از مادران دیگر رفتار آزاد منشانه ای دارند و کمتر از مادران دیگر حواس خود را روی تحصیل کودکان متمرکز می کنند و میزان ناامنی اقتصادی در کانون خانواده آنها کمتر است، مادران کودکان خلاق به مفهوم ارزشها و استقبال از مشکلات زندگی تأثیر دارند و هم چنین مادران این کودکان از مضایقه و ناامنی کمتر می ترسند.

مطالعات شیفر روی دختران نشان داد که والدین اغلب این دختران جوان و میانسال هستند و هوشبهر پدر و مادران آنان بالاتر از متوسط افراد جامعه بوده و به فعالیت های فرهنگی خیلی بیشتر از فعالیتهای اجتماعی علاقه داشتند و از خوانندگان پروپا قرص کتاب و مجله بودند.

در یک تحقیق رابطه بین سه نوع روش تربیتی، دیکتاتور منش، دموکراتیک و روش متکی بر اصول آزاد گذاری مطلق توسط جاویدی (۱۳۷۳) مورد بررسی قرار گرفت و به این نتیجه رسید که بین جو عاطفی خانواده متمایل بر اصول دموکراسی با خلاقیت کودکان با حدود اطمینان ۹٪ رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و بین جو عاطفی خانواده متمایل به دیکتاتوری با خلاقیت کودکان با حدود اطمینان ۹۹٪ رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد و همچنین وی ادعا کرد که بین جو عاطفی خانواده متمایل به اصول آزاد گذاری مطلق با خلاقیت کودکان رابطه معنی داری وجود ندارد.

کروپلی (۱۹۶۲) در مقایسه والدین کودکان خلاق با کودکان غیر خلاق به این نتیجه رسید که والدین کودکان خلاق معتقد به دادن استقلال به کودکان هستند و اراده و خواستار آنها را می پذیرند و به آنها حق می دهند با والدین خود موافق نباشند.

در مورد تأثیر وسعت خانواده آمده است بچه هایی که در خانواده های کوچک پرورش یافته اند، اگر از لحاظ سایر عوامل مساوی باشند خلاق تر از بچه هایی هستند که از خانواده بزرگ می باشند چون در خانواده های بزرگ تعلیم و تربیت اطاعت طلبانه و فقدان اوضاع اقتصادی، اجتماعی مطلوب که بیشتر محروم کننده است و با رشد خلاقیت منافات دارد.

تحقیقاتی نشان داده بچه هایی که بعد از بچه های اول متولد می شوند معمولاً خلاقیت بیشتری نسبت به بچه های اول دارند و این نتیجه اینطور توجیه شده است که بچه های اول جهت مطابقت به بچه های اول دارند و این نتیجه اینطور توجیه شده است که بچه های اول جهت مطابقت با انتظارات والدین بیشتر تحت فشار قرار می گیرند. هم چنین در مورد جنس گفته شده که پسر ها خلاقیت بیشتری نسبت به دختر ها از خود نشان می دهند.

خلاقیت با مطالعه پیشرفت می کند (اسبورن، ۱۳۷۱)

چنانکه فرانسویس بیکن و نویسنده انگلیسی قرن شانزدهم اظهار داشته است، «مطالعه انسان را کامل می کند». مطالعه قدرت تصور را تغذیه می کند، لیکن برای آنکه از مطالعه حداکثر استفاده را ببریم، باید مطالب مناسب برای مطالعه انتخاب کنیم و یک آزمایش برای آنکه چه مطالبی بخوانیم عبارت از پرسش این سوال است، «آیا این مطلب تا چه حد تمرین خوبی برای مغز خلاق من فراهم ساخت؟»

قدرت تصور ما با داستانهای خیالی مناسب، از نوع آثار دیکنز، دوما، کنراد و کیپلینگ برانگیخته می شود. معذالک اغلب رمان های کم اهمیت تر چیزی جز سرگرمیهای مطبوع به وجود نمی آورد. با این وجود داستانهای اسرار آمیز امکان فراهم نمودن تمرینات خلاق مناسب را بهتر فراهم می کند- در صورتی که آنها را چنان بخوانیم که گویی در رل قهرمانان داستان شرکت می کنیم نه آنکه به عنوان تماشاچی - و خاصه آنکه به محض پدیدار شدن سرنخ ها خواندن را متوقف نموده برای کشف آنکه «چه کسی مجرم است؟» فکر کنیم.

«تخیل فی نفسه خلاقیت نیست، همان طور که اعداد ریاضیات نیستند...»

(دوبنو، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹)

تخیل و خلاقیت

تخیل نوعی تفکر آزادانه است که ضمن آن ذهن فرد متوجه حل یک مسأله واقعی به گونه ای که در عالم خارج وجود دارد، نمی باشد. در تخیل، فرد خارج از قیود و نرم های موجود، آزادانه آنچه را که تمایل دارد در ذهن خود متصور می شود.

با بهره گیری از تخیل که ضرورت اساسی خلاقیت است، دنیای بزرگ و پهنای در مقابل چشمان کودک گشوده می شود و او قادر می گردد آزادانه خیال پردازی کند. در این شرایط کودک هرگز خود را محدود و محبوس در حصار

واقعیتها و امور مشهود و ملموس ندیده، فارغ‌بال هر آنچه را که دلش می‌خواهد تصور می‌کند. به قول یکی از روانشناسان معاصر (هرلاک)، خلاقیت شکلی از تخیل کنترل شده است که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می‌شود.

به نظر فروید تفکر خلاق که شکل عالی تخیلات آزاد و بازیهای دوره کودکی است. به عقیده او سرچشمه خلاقیت را باید در تجربیات دوره کودکی جستجو نمود، زیرا چگونگی تجارب دوران خردسالی در ظهور اندیشه‌های نو فوق العاده مؤثر است. از دیدگاه فروید تخیل ابداعی و اختراعی که از یک جهت همان تخیل خلاق است، ادامه فرایند بازیها و تخیلات کودکانه فرد است. گرچه بعضی دیگر از روانشناسان نظیر گزل و فیلیپ (۱۹۶۲) تفکر خلاق را معلول برخورد و ارتباط گسترده فرد با محیط می‌دانستند، اما در هر حال باید اذعان داشت که از مهمترین عواملی که تفکر خلاق را ممکن می‌سازد، تخیل است. از جمله ویژگی‌های مشترک میان افراد خلاق که مورد قبول همه روانشناسان و محققان این رشته است، وجود قدرت تخیل فوق العاده در نزد همه کودکان و بزرگسالان خلاق است. (شریعتمداری ۱۳۶۹)

عوامل مؤثر در افزایش خلاقیت

در این قسمت عقاید برخی از روانشناسان در مورد عوامل مؤثر در افزایش خلاقیت و موانع پرورش آن، آورده می‌شود.

«لنفرانکویس» (۱۹۷۹) معتقد است که خلاقیت و هوش، تابعی از تعامل وراثت و محیط هستند. «اسبورن» (Osborn)، (۱۳۶۸). در کتاب خود، بنام: «پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت»، عوامل مؤثر در رشد خلاقیت و موانع پرورش آن را چنین اعلام کرده است:

عوامل مؤثر در خلاقیت را ۱-تشویق ۲-تشویق نزدیکان (به عنوان مهمترین عامل) و موانع رشد آن را، عبارت از:

۱-عادت پیشین ۲-دلسرد کردن ۳-کمرویی، می‌داند.

«شل کراس» (۱۳۶۹) مهمترین موانع خلاقیت را، موانع: تاریخی، بیولوژیکی، فیزیولوژیکی و روانی- اجتماعی می‌داند.

«لنفرانکویس» در کتاب «روانشناسی برای آموزش» موانع خلاقیت را چنین معرفی می‌کند.

معلم با جلوگیری از ظرافت طبع و تشویق به متوسط بودن، خلاقیت را خاموش می‌کنند، آنان با «خود را به کری زدن»، «توجه نکردن» و «عدم پاسخگویی به پرسشهای کودکان» لذت ناشی از پرسشگرایی در کودکان را از بین می‌برند.

همچنین، به نقل از «هالمن» (۱۹۶۷)، عوامل بازدارنده خلاقیت دانش آموزان چنین اعلام می‌دارد:

۱-تحت فشار قرار دادی، برای همنوایی با دیگران

۱-نگرشها و محیط‌های سلطه جویانه،

۳-شخصیتهای جدی آموزگار

۴-استهزاء و طعنه

۵-اغراق در تأکید بر ارزیابی

¹ W.Getzels , and j philip

² J.philip

۶- خصوصیت نسبت به شخصیت و اگر

۷- اغراق در تأکید بر موفقیت

۸- عدم تحمل نگرشهای بازی و ...

«عابدی» (۱۳۷۲)، در مقاله خود: «خلاقیت و شیوه ای نو، در اندازه گیری آن»، اظهار می دارد که در چند دهه اخیر، پژوهشهای زیادی در مورد خلاقیت انجام شده است، تا به ۲ پرسش اساسی پاسخ دهد.

۱- آیا خلاقیت را می توان آموزش داد؟ و اگر می توان، چگونه؟

۱- آیا خلاقیت را می توان اندازه گرفت؟ و اگر قابل اندازه گیری است؟ چگونه؟

نتایج تحقیقات انجام شده، بیانگر آن است که خلاقیت را هم می توان، آموزش داد و هم می توان آن را اندازه گرفت.

«تورنس» (۱۹۷۳) و «فلدهوزن» و همکاران (۱۹۸۳)، اظهار می دارند که در پاسخ به این سوال که: آیا می توان، خلاقیت را آموزش داد؟ جواب مثبت است.

«شهر آرای» (۱۳۷۴)، در مقاله: «ضرورت توجه به خلاقیت در برنامه ریزی درسی» به نقل از «نانس» (Nanus)، (۱۹۹۲) اظهار می دارد:

نظام آموزش و پرورش خلاق، که بر نگرش و «رویکردی زایشی» بنا شده است، با هدف و آموزش «شیوه یاد گرفتن»، اندیشیدن، نرمش، گشودگی و پویندگی، با استفاده از روشهایی است که در برگیرنده زاینده و تولید فعالیت، استقلال و آزادی معقول، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری و مشارکت است...

با استفاده از چنین نظامی، می توان افرادی بصیر، اندیشمند، انعطاف پذیر، مسئول و با ذهنهای خلاق، تربیت کرد.

«ژان پیازه»، «هرگاه چیزی به کودک یاد دهیم، مانع شده ایم تا خودآن را شخصاً کشف یا اختراع کند.»

این عبارت کوتاه، شاید بلندترین و عمیق ترین تعریف و تبیین موجزانه از فرآیند یادگیری خلاق در آموزش و پرورش فعال باشد که ژان پیازه روانشناس بزرگ معاصر بیان داشته است، این تعریف دقیقاً عکس آن چیزی است که غالباً در آموزش و پرورش سنتی و فعل پذیر بدان عمل می کنند.

نقش بزرگسالی در شکوفایی خلاقیت کودکان

خانواده هایی که کودکان مستعد و به ویژه خلاق دارند با انبوه پرسشهای متنوع روبرو هستند پاسخگویی مستقیم به این پرسشهای گوناگون و گاهی بسیار دقیق و موشکافانه همیشه آسان نیست پس ناگزیر باید آنها را به مراجع و منابع معتبر علمی راهنمایی کرد.

تجهیز و تقویت فرزندان (به ویژه از سنین طفولیت) با طرق و اسلوبهای بیانی خلاقیت (اعم از خواندن، نوشتن، نقاشی، مجسمه سازی و...) در تسهیل بروز خلاقیت کودکان خلاق بسیار مؤثر است.

ادوارد اسپرنیگیت (۱۹۹۵) نقش والدین و بزرگسالان را در شکوفایی خلاقیت کودکان به شرح زیر خلاصه کرده اند:

۱- تأمین محیطی که به کودک امکان بدهد بدون هیچ گونه محدودیت ناخواسته بازی و کاوش کند.

۲- سازگاری و پذیرش اندیشه های کودکان به جای هم سو کردن کودکان با اندیشه های بزرگسالان.

۳- پذیرش نظرهای غیر عادی کودکان با به تعویق انداختن داوری در مورد حل مسأله و اگر ای آنان.

۴- مطرح کردن مسائلی با کودکان که به طور طبیعی در زندگی روزمره اتفاق می افتند.

۵- فرصت دادن به کودکان برای بررسی همه امکانات (در حالی که از مرحله اندیشه های کلی به مرحله اندیشه های بدیع گام بر می دارد)

۶- تأکید بر فرایند به جای برآیند.

تحقیقات انجام شده در ایران

در این زمینه تحقیقات در کشور انجام شده است که به بعضی از آنها در اینجا اشاره می شود

۱- بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت، منبع کنترل، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم نظام جدید متوسطه شهر تبریز در سال ۷۶-۷۵

در این تحقیق پژوهشگر به بررسی رابط ۴ متغیر فوق پرداخته و نتایج پژوهش را چنین اعلام داشته است:

- بین منبع کنترل درونی و خلاقیت دار رابطه + و معنی داری وجود دارد.

- بین انگیزش پیشرفت و خلاقیت رابطه + و معنی داری وجود دارد.

- بین دانش آموز دختر و پسر از لحاظ خلاقیت تفاوت + و معنی داری وجود دارد.

۲- طباطبایی، موسوی: بررسی ادراک و انتظار دانش آموزان و دبیران راهنمایی شهر تبریز از جو روانی- اجتماعی کلاس و ارتباط آن با خلاقیت در سال ۷۶

محقق در این پژوهش با استفاده از آزمون خلاقیت و آموزش سنجش روانی اجتماعی که بر روی دانش آموزان دختر و پسر اجرا شده است نتایج زیر را اعلام کرده است:

- بین جو روانی - اجتماعی کلاس و خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

- بین خلاقیت و ادراک جو روانی - اجتماعی کلاس در پسران و دختران تفاوت معنی داری وجود ندارد.

- بین ادراک و انتظار دانش آموزان از خلاقیت و نوآوری در کلاس تفاوت معنی داری وجود دارد.

- بین ادراک و انتظار دانش آموزان از خلاقیت و نوآوری در کلاس با خلاقیت آنان تفاوت معنی داری وجود دارد.

- ادیب یوسف، بررسی زمینه های خلاقیت در پرسشها و تکالیف کتب درس جامعه شناسی

- روانشناسی، دانش اجتماعی و آشنایی با برنامه ریزی تحصیلی شغلی نظام جدید متوسطه ۱۳۷۶

پژوهشگر در این تحقیق پس از بررسی و مقایسه پرسشها و تکالیف و تمرینات کتابهای درسی فوق با طبقه ریزی انواع یادگیری گانیه و اعمال ذهنی مدل هوشی «گیلفورد» نتایج را به شرح زیر اعلام می کند:

- در کتابهای دانش اجتماعی جامعه شناسی (۲۱) بیشترین پرسشها و تکالیف در سطح تفکر همگرا و حافظه ارائه شده اند و به شکل مطلوبی به خلاقیت ذهنی نیز توجه شده است.

- در کتاب های روانشناسی و برنامه ریزی شغلی بیشترین پرسشها و تکالیف در سطح حافظه ارائه شده است و به تفکر و اگر خلاقیت ذهنی توجه بسیار اندکی شده است.

- در میزان توجه به خلاقیت ذهنی بر اساس نظریه گیلفورد و گانیر در پرسشها و تکالیف درسی کتابهای مورد بررسی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

-کفایت، محمد: بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پرورده با خلاقیت و رابطه متغیر اخیراً هوش پیشرفت تحصیلی و رفتارهای پیشرفتگرای دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز ۱۳۷۳.

نتایج به دست آمده نشان می دهد:

-میان خلاقیت و هوش نیز بین خلاقیتها و پیشرفت تحصیلی همبستگی+ و معنی داری وجود دارد.

-میان خلاقیت و رفتارهای پیشرفت گرا و همبستگی+ و معنی داری وجود دارد.

-میان هوش و پیشرفت تحصیلی همبستگی+ و معنی داری وجود دارد.

-میان دخترها و پسرها از نظر خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد.

-روح الهی، مهدی: «بررسی تأثیر آموزش های ارائه شده در دوره متوسط بر خلاقیت دانش آموزان پایه سوم متوسطه ۷۲ (دانشگاه تربیت معلم تهران) نتایج پژوهش نشان می دهد:

-آموزش های ارائه شده در دوره متوسطه در پرورش سیالی دانش آموزان سال ۳ متوسطه مؤثر می باشد.

-آموزشهای ارائه شده در دوره متوسطه در پرورش عامل انعطاف پذیر در دانش آموزان می باشد.

نظریه های خلاقیت

نظریه های مربوط به خلاقیت: اکنون نوبت آن است که به طرح دیدگاههای مربوط به خلاقیت بپردازیم. دیدگاه یا نظریه معمولاً نظر و دانشی است که برای تبیین یک پدیده وجود دارد. هر دیدگاه، علم و آگاهی خاصی از یک موضوع یا مفهوم را مطرح می سازد بنابراین وقتی از دیدگاه ها صحبت می کنیم منظور طرح اندیشه هایی است که به یکدیگر شباهت کاملی ندارند. یعنی هر دیدگاه چشم اندازی جدید را مطرح می سازد.

۱-نظریه روح خدایی: بر مبنای این نظریه باستانی، خلاقیت از خدا به سمت انسان نزول می یابد و توزیعی جهانی ندارد. بر این مبنا برخی از افراد سهم بیشتری نسبت به بقیه می برند. افرادی که خلاقند وابستگی بیشتری نسبت به منبع فیض دارند. به هر حال این نظریه خلاقیت زمانی که تفکر علمی غالب است نامناسب بوده و ما باید در جستجوی شواهد متقاعد کننده تری باشیم.

۲-دیدگاه روانکاوی: از دیدگاه روانکاوی خلاقیت در نتیجه تعارضی است که در ذهن ناخودآگاه یا نهاد ایجاد شده است. ذهن ناخودآگاه تلاش می کند تا راه حلی برای تعارض بیابد اگر راه حل با بخش آگاه یا خود هماهنگ باشد می تواند راه حلی خلاق آمیز باشد. اما اگر با بخش آگاه در تضاد باشد منجر به بیماری روانی می گردد. بنابراین از دیدگاه روانکاوی خلاقیت و بیماری های روحی از منبع نشأت می گیرند. با این تفاوت که فرد خلاق بر ناخودآگاه خویش کنترل معقول دارد اما بیماری روانی در کنترل رفتار ناخودآگاه دچار افراط و تفریط شدیدی است. با کنترل زیاد رفتار قالبی می شود. و با رها نمودن کنترل دچار بی اختیاری در رفتار می گردد. در حالت دوم اغلب فرد دچار توهم و رویاپردازی می گردد. در شیوه درمانی روانکاوی به بیمار کمک می شود تا «خود» را رها سازد و بدون



نگرانی ناخودآگاهش را بپذیرد و بدین ترتیب با کنترل ارادی توان خلاق خویش را به کار اندازد. فروید معتقد است خلاقیت مخصوصاً هنری جایگزین بازی کودکی است، تلاشی که برای حل تمارض ناخودآگاه انجام می‌گیرد نیز ناشی از تجربه های کودکی است به عبارتی نیازهای سرگرفتگی کودکی به صورت کار و هنر تجلی می‌یابد. فروید معتقد است که فکر تازه به سبب برخورد با تضاد ایجاد می‌شود و این همانند مکانیسم دفاعی است در واقع خلاقیت نیز نوعی رفتار دفاعی است یعنی فعالیتهای هنری و عملی عبارت از تمایلات ارضا نشده است که به شکل هدف عالیتر درآمده اند. پس فرد برای ارضای سائقه های خاصی دست به خلاقیت می‌زند تا تعادلی را که آن سائقه به هم زده را دوباره برگرداند. نظریات مکتب روانکاوی درباره خلاقیت از چند جنبه قابل بحث است فروید معتقد است خلاقیت نوعی رفتار دفاعیست که برای کاهش رفتار و تنشها انجام می‌گیرد هر چند خلاقیت ممکن است در جهت کاهش تنش باشد اما خود فی‌النفسه می‌تواند هدف واقع شود.

دیدگاه رفتار گرایی: هر چند دیدگاه رفتار گرایان یا نظریه پردازان ارتباطی، درباره خلاقیت از گستردگی و غنای کافی برخوردار نیست. اما صاحب نظران رفتارگرا کوشیده اند تا از قافله تبیین کننده خلاقیت عقب نمانند و از این رو به نکاتی اشاره کرده اند که به صورت خلاصه به آن اشاره می‌کنیم: از دیدگاه نظریه پردازان ارتباطی، خلاقیت ارتباط یا پیوند بین افکار است این پیوند از قانون «تازگی»، «وضوح» و «فراوانی» پیروی می‌کند. مثلاً هر چند پیوند از صراحت، تازگی و تکرار بیشتری برخوردار باشد فرد خلاق تر خواهد بود. در اصطلاح رفتار گرایان خلاقیت را می‌توان به عنوان یک رفتار تعریف کرد. رفتاری که در بین سایر نمونه ها دارای الگوهای یگانه و بدیعی است.

دیدگاه روانسنجی: دیدگاه روانسنجی که در رشد و معرفی خلاقیت نقش بسزایی دارد همان تحلیل عوامل و عناصر خلاقیت است که در حقیقت ساختار بنیادی خلاقیت را به گونه ای قابل سنجش و علمی مطرح می‌کند. گیلفورد از بنیان گذاران این دیدگاه است و رشد خلاقیت مرهون تلاشهای اوست. او معتقد است افراد در چگونگی حساسیتشان به مسأله متفاوتند. به عنوان مثال دو دانشمند را در نظر بگیرید که قصد دارند گزارش علمی تهیه کنند. به اعتقاد گیلفورد تنها یکی از این دو دانشمند قادرند در گزارش علمی خودبه مسأله اشاره کنند. دانشمندی که حساسیت بیشتری نسبت به مسأله دارد می‌تواند به نتایج مربوطه رسیده حتی دست به حل خلاق مسأله بزند در حالی که اگر دانشمند دوم نسبت به مسأله حساس نباشد قادر به حل مشکل نبوده بنابراین شانس برای رویداد تفکر خلاق نخواهد داشت. گیلفورد هم چنین معتقد است که افراد در سهولت تولید ایده ها نیز متفاوت هستند. گیلفورد دو توانایی عمده را در خلاقیت دخیل می‌داند. یکی تفکر واگرا و دیگری تفکر همگرا. به اعتقاد او تفکر واگرا به طور عمده شامل توانایی سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط است. ویژگی تفکر واگرا در این است که روند و خاصیت تفکر منطقی و عادی را ندارد و به فرآیند سطح نخستین تفکر در نظریه فروید شباهت دارد. خصیصه اصلی آن «رها بودن از قید قراردادهای» است. تفکر واگرا مجذوب ناشناخته ها و مجهولات می‌باشد خطرپذیر است و شک گرا. این تفکر در بررسی یک مسأله قادر است چندین راه حل ارایه کند. در واقع فرد در زندگی روزمره خود دائماً با تولید واگرا به منظور یافتن جوابی همگرا درگیر است برای مثال فردی که به دلیل جا گذاشتن کلید پشت در مانده ممکن است انواع راه حل های بازکردن در را در ذهن مرور کند ولی در غایت به دنبال جوابی خواهد گشت که برای آن موقعیت مناسب و واقعی باشد. بنابراین تفکر همگرا، تفکری است محافظه کار، مبتنی بر روش و قاعده و محتاط. این نوع تفکر قادر است افکار نو را در افکار کهنه حل کند ولی قادر نیست الگوی جدیدی را ارائه کند در عوض بر عملکرد تفکر واگرا نظارت می‌کند. به عبارت دیگر تفکر همگرا از اطلاعات برای «حذف» استفاده می‌کند درست شبیه موقعی که از منطق در نیل به پاسخ صحیح در بین اطلاعات گوناگون استفاده می‌شود.

دیدگاه انسان گرایی: این مکتب از جمله مکاتبی است که به خلاقیت توجه خاصی نموده است. انسانگرایان خلاقیت را تنها به امور خارق العاده نسبت نمی‌دهند و معتقدند همه افراد می‌توانند از قوای خلاق خویش بهره بگیرند. آنها عقیده دارند که خلاقیت نه تنها دستاوردها بلکه فعالیت ها، فرایندها و نگرش ها را هم در بر می‌گیرد. چنانچه راجرز در تعریف خلاقیت می‌گوید: ظهور یک فرآورده ارتباطی نوظهور در علم که یک سو از بی همتایی فرد سرچشمه می‌گیرد و از دیگر سو از مواد رویدادها. مردم یا اوضاع و احوال زندگی بر مبنای نظریات انسان گرایان شرایط درونی خلاقیت را نمی‌توان تحمیل کرد همان گونه که نمی‌توان بذر کاشته شده را به زور رشد داد. انسان گرایان تأکید خاصی بر ارتباط خلاقیت با سلامت روانی، خودشکوفایی و کمال انسان دارند. چنانچه مزلو اعتقاد دارد که این رابطه

به قدری عمیق است که می توان گفت این واژه ها مفهوم واحدی دارند همان طور که گفتیم معتقدند توانایی بالقوه خلاق در همه انسانها نهفته و جامعه باید با دادن آزادی به افراد امکان تجربه و عمل را بدهد. تا خلاقیت در آنان شکوفا گردد در این مسیر هر گونه محدودیت یا ارزیابی که توسط محیط اعمال می شود مانعی بر سر راه خلاقیت است.

محدودیت های مربوط به خلاقیت

ظهور خلاقیت که موهبتی الهی و همگانی است، مستلزم ایجاد بستر مناسب برای رشد و توسعه است لذا برای گسترش این توانایی باید موانع و عوامل آن را بررسی کرد، عوامل گوناگونی در تمام مراحل زندگی از بدو تولد تا بزرگسالی به شکلهای مختلف رشد خلاقیت را با مانع و مشکل مواجه می سازد که تقسیم بندیهای متفاوتی نیز از نظر صاحب نظران در این رابطه مطرح شده است که در این جا به یک شکل از تقسیم بندی موانع و رشد خلاقیت پرداخته و توضیحاتی پیرامون مواردی می دهیم. موانع و محدودیتهای رشد خلاقیت: ۱-الف) خانواده ب) موانع فرهنگی (محیط آموزشی) ج) جامعه ۲- فردی، روانی ۳- تاریخی ۴- فیزیولوژیک ۵- بیولوژیک.

موانع و محدودیت های اجتماعی: هر جامعه ای دارای آداب و رسوم خاصی است و به وسیله یک سری فعالیتها و علائق و رفتارهای اجتماعی از دیگر جوامع ممتاز می گردد. اغلب هر عضو جامعه این طور احساس می کند که اگر بخواهد از قوانین منحرف شود کاری غیر قانونی مرتکب خواهد شد و جامعه نیز شخصی را که بخواهد از الگوهای به رسمیت شناخته شده تخطی کند تنبیه کرده و او را طرد می نماید. بنابراین رفتارهای خلاق گاهی اوقات در جامعه مخرب تلقی شده و ثبات و اهمیت شخص را به خطر می اندازد. (غلامعلی افروز ۱۳۷۲)

وانع و محدودیت های خانواده در رشد خلاقیت: بسیاری از والدین از این امر غافلند که فرزندان ما آنچه را که ما می خواهیم نخواهند شد بلکه آنچه را که ما هستیم می شوند و بر این اساس از سر دلسوزی و علاقه مندی به آینده فرزند خود روشها و الگوهای را دربرخورد با فرزند خود پیش می گیرند. که متأسفانه نتیجه ای مغایر با نیت و خواست اولیاء حاصل می شود.

عدم آشنایی والدین با مفهوم واقعی خلاقیت: عدم آگاهی و شناخت برخی از والدین از فرآیند رشد خلاقیت در فرزندان به عدم رشد خلاقیت منجر می شود. والدین از ویژگی های مختلف همچون هوش، حافظه، استعداد و خلاقیت برداشت یکسانی دارند کمتر موفق می شوند آگاهانه به رشد تفکر خلاق در فرزند خود بپردازند.

اجرای قوانین خشک و دست و پاگیر در منزل: قوانین و مقررات غیر قابل انعطاف، بایدها و نبایدها، امر و نهی، این کار را بکن، اگر، اما، ... مغایر با رشد خلاقیت در فرزندان خانواده می شود.

انتقادهای دائم از رفتارهای فرزند: گاهی اوقات زیر ذره بین قرار دادن و انتقاد از کارهای فرزندان در خانواده ترس از اشتباه و شکست را در وی تقویت می کند و اگر این ترس جنبه مرضی پیدا کند جرأت هرگونه اندیشه جدید را از او می گیرد.

نادیده گرفتن تخیلات کودک: تخیلات کودکان که اوج شکل گیری آن در سنین ۵ سالگی می باشد احساس خلاقیت است ک بیهوده انگاشتن آن و متهم کردن فرزند به دروغگویی و دروغپردازی که در سنین ۴ الی ۶ سالگی از ویژگی های طبیعی کودکان خیالپردازی است سرچشمه خلاقیت را در فرزندان می خشکاند.

- عدم کشف توانایی و استعداد و علائق درونی کودک: بدلیل بی اطلاعی اولیاء از توانایی های کودک خود که در سنین مختلف می تواند زمینه بروز و رشد آن فراهم شود مخبر به عدم شناخت و عدم کشف و بارور نشدن آنچه که در وجود شخص نهاده شده که بخشی از آن نیز عدم رشد خلاقیت خواهد بود می شود.

- عدم وجود شوخ طبعی در خانواده

- ایجاد رقابت میان فرزندان

-تلاشهای خانواده در مرحله قبل از بلوغ فرزند برای حذف خیالبافیهای او

دکتر معصومه رفیقی روانشناس که سالهاست کار مرتبط با کودکان انجام داده است می گوید: تا کودک از جهات ذهنی، جسمی، عاطفی پرورش نیافته باشد نمی توان به او آموزشهای لازم را داد. در نتیجه پرورش مقدم بر آموزش است. «اولین شارپ» می گوید: که بازی تفکر کودک است. بچه ها در سنین پیش از دبستان با بازی آموزش می بینند و با محیط اطراف مواجه می شوند و تطبیق می یابند. با بازی می توان ارتباط خوبی با بچه برقرار کرد. درونیات او را شناخت و توانایی اش را کشف کرد. رشد عصبی، رفتاری و ویژگی های شخصی کودک ابتدا ساده، بعد پیش رونده و سیستماتیک و پیشرفته است در او کارایی ایجاد می کند و در عین حال مراحل رشد ثبات دارد. حتی اگر در دوران رشد به دلایلی موانعی به وجود آید که این مراحل با تأخیر انجام شود به عقب ماندگی کلی وی نمی انجامد.³

علائم و نشانه های افراد خلاق

عمده ترین نشانه های شخصیتی فرد خلاق عبارتند از: صداقت با خود و خود سازماندهی، مزاح و رک گویی، تعهد و نظم، نوع دوستی و سادگی رفتار، آستانه تحمل بالا، قدرت مقابله، علایق گسترده، میل به تغییر، پشتکار و جدیت. چگونه روش های والدین می تواند خلاقیت را برانگیزد.

مدت سی سال است که روان شناسان کشف کرده اند که روش های پدران و مادران و ارزشهای آنان با خلاقیت کودکان در ارتباط است. البته امکان دارد که کودکان خلاق باعث شوند پدران و مادران روشهایی خاص اتخاذ نموده و به طریقی خاص عمل نمایند. هر چند وقتی ما تحقیقات علمی را با تحقیقات آزمایشگاهی کاملاً کنترل شده در مورد خلاقیت و نیز تئوری های روان شناسی در کنار هم قرار می دهیم به سرنخهای محکمی درباره چگونگی تأثیر مستقیم پدران و مادران بر خلاقیت کودکان می رسیم.

آزادی

پدران و مادران که معتقد به دادن آزادیهای زیادی به کودکانشان هستند زمینه را برای داشتن کودکانی خلاق فراهم می سازند. پدران و مادرانی که آزادی عمل می دهند، آمرانه عمل نمی کنند، دائماً سعی ندارند خود را کنترل نمایند و فعالیتهای کودکان را محدود نمی سازند. به علاوه این پدران و مادران نگرانی زیادی درباره کودکانشان ندارند و نگرانی آنها درباره به خطر افتادن کودکانشان تا حد افراط نیست...

کودکان خلاق پدران و مادرانی دارند که برای آنها به عنوان یک فرد احترام قائل هستند، به تواناییهای آنها ایمان داشته و معتقدند که آنها منحصر به فردند. این گونه کودکان طبیعتاً اعتماد به نفس خود را برای انجام کارهای مخاطره آمیز و مبتکر بودن افزایش می دهند.

اعتدال در نزدیکی عاطفی

خانواده هایی که دارای کودکان خلاق می باشند دارای ارتباط عاطفی فوق العاده نزدیکی نیستند. در حقیقت تعجب آور است که در چنین خانواده هایی در مقایسه با خانواده های کمتر خلاق، ممکن است اتحاد خانوادگی کمتر و سردی بیشتری میان والدین و کودکان برقرار باشد. همچنین این حقیقت دارد که خلاقیت یک کودک ممکن است به علت جو عاطفی خصمانه، طرد کننده و یا فقدان رابطه صمیمانه متوقف گردد. به نظر می رسد که رمز کار در اعتدال باشد: کودکان نباید بیش از اندازه به والدین وابسته باشند اما باید بدانند که مورد علاقه و قبول آنها قرار دارند.

ارزشها، نه قوانین

³ -evelin sharp

والدین کودکان خلاق در منزل قوانین زیادی وضع نمی کنند. این نتیجه گیری ناشی از یک بررسی جهت مقایسه میان خانواده هایی که کودکان خلاق دارند با خانواده هایی با کودکان کمتر برجسته می باشد. کودکان در محیطهای خانوادگی «خلاق» خود را شایسته کار در زمینه هایی از قبیل مجسمه سازی، معماری، ریاضیات، موسیقی، روزنامه نگاری، نمایشنامه نویسی و اداره امور مدرسه می دانند. وقتی پژوهشگر درباره تعداد قوانینی که آنها برای کودکانشان داشتند سؤال نمود، والدین این خانواده ها به طور متوسط کمتر از یک قانون خاص (مانند ساعات درس خواندن یا زمان رفتن به رختخواب) داشتند. در مقابل خانواده هایی که افراد خیلی خلاق نبودند حدود شش قانون داشتند.

این به آن معنی نیست که والدین کودکان خلاق به آنها اجازه هر کاری را می دهند. آنها به عوض تعیین قوانین خاص، مجموعه روشنی از ارزشها درباره کارهای صحیح و غلط ارائه می دهند و آن ارزشها را با رفتار خود به عنوان الگویی برای کودکان به نمایش در می آورند و کودکان خود را تشویق می کنند که دریابند کدام رفتار نماینده آن ارزشها است. این قییل والدین از کودکانشان انتظار دارند مستقلاً اما با مسئولیت عمل نمایند. چنانچه یکی از والدین اظهار می داشت «من به خاطر نمی آورم هیچ قانونی برای کودک خود وضع کرده باشم- ما فقط می خواستیم هر یک از ما یک انسان واقعاً قابل تحسین باشد.» جالب است که اغلب والدین در خانواده های خلاق اظهار می داشتند که با کمال تعجب آنها از نظر انضباطی مشکل کمی با کودکان خود داشتند.

نیل به دستاورد، نه نمره

والدین کودکان خلاق توجه زیادی به نیل به دستاوردها دارند. آنها کودکان خود را تشویق می کنند که منتهای سعی خود را به عمل آورند و کارهای جالب انجام دهند. در عین حال این والدین دستاورد را به طور گسترده تعریف می کنند و بر روی نمره زیاد تأکید نمی نمایند. در یک بررسی در زمینه مقایسه خانواده «خلاق» با خانواده «کمتر خلاق» والدین گروه اول می گفتند که «به دست آوردن نمرات بالا» و «داشتن ضریب هوشی بالا» کم اهمیت تر از نیروی تصور و صداقت بود.

والدین فعال و مستقل

روش شما در مورد خودتان اهمیت زیادی دارد. زیرا شما به عنوان والدین کودکان، نخستین الگوی آنها هستید.

والدین کودکان خلاق معمولاً دارای احساس امنیت نسبت به خود بوده، به دنبال موقعیت اجتماعی نیستند و در مقابل خواسته های اجتماع صرفاً مصون می باشند. به علاوه دارای شایستگی بسیار و علایق گوناگون هم در منزل و هم در بیرون از منزل هستند.

قدردانی از خلاقیت

کودکان بسیار خلاق می گویند که برای انجام کارهای خلاق مورد تشویق زیاد والدینشان قرار می گیرند و والدین آنها می گویند از اینکه می بینند کودکانشان از خود خلاقیت نشان می دهند بسیار مشغوف هستند. بررسی خانواده های خلاق نشان داد که والدین، خلاقیت نو شکفته کودکان خود را از طریق درسها، وسایل و برانگیختن تجارب پرورش و توسعه می دهند...

تصویر ذهنی از آینده

والدین کودکان خلاق تصویر ذهنی روشنی از آینده کودک خود به عنوان یک فرد مستقل و مجزا، شایسته احترام و محبت دارند که می توان انتظار داشت در هر شرایطی به صورت یک فرد پای بند اخلاق و مسئول عمل کند. به علاوه به آن کودک به چشم شخصی نگاه می کنند که قادر است کارهای بزرگ و خلاق را با تمام استعدادها و مهارتهایی که دارا می باشد انجام دهد. این تصویر ذهنی حمایت کننده می تواند کاملاً مشخص باشد. مثلاً مادر پابلوکاسالز تا حدودی می دانست که فرزندش روزی موسیقیدان بزرگی خواهد شد. هر چند که آن تصویر ذهنی آینده ساخته خود او نبود، بلکه ناشی از توجه توأم با محبت او به مهارتهای خاص و عمیق ترین علایق فرزندش بود.

ویژگی های تصویر ذهنی آینده باید همیشه به این ترتیب شکل بگیرد. چنانچه مادر جیسون براون می گوید «تصویر ذهنی من از آینده پسر من ابتکار من نبود، بلکه خود او به من نشان داد.»

شوخی طبیعی

اما از نظر استعداد، مهمترین جنبه رفتار والدین شوخی طبیعی می باشد. یعنی توانایی خندیدن به شرایط، حوادث و خود شخص. یک بررسی نشان داد که در خانواده های کودکان خلاق شوخی طبیعی وجود دارد. آنها تقریباً به طور دائم در حال شوخی، شعبده بازی و تفریح هستند. اعضای خانواده اغلب اسامی مضحکی برای هم دارند و کلماتی را به کار می برند که فقط برای خودشان قابل درک می باشد...

بازیهای فکری – حل معما و جدول

عده زیادی از مردم مقدار زیادی از وقت خود را صرف بازیهای مختلف می کنند. بعضی از این بازیها به پرورش قدرت تصور کمک نموده و بعضی به این استعداد کمک نمی کنند.

در حدود ۲۵۰ نوع بازی نشسته وجود دارد. تجزیه و تحلیل نشان داده است که فقط ۵۰ بازی حاوی تمرینات خلاق اند. همچنین خلاقیت به مقدار زیادی بستگی به نحوه بازی دارد. مثلاً در بازی شطرنج می توانیم «بازیکنان کتابی» باشیم و تمام حرکات را با کمک حافظه انجام دهیم و یا آنکه هر حرکت را به یک حادثه جویبی جسورانه خلاق مبدل کنیم چنانکه بعضی از بهترین شطرنج بازیان چنین می کنند بدین معنی که به جای بازی کردن بر طبق عادت، می کوشند روشهای جدید و جسورانه برای رسیدن به هدف به کار برند این باعث می گردد که بازی، تفریحی تر و تمرین فکری بهتر شود...

از بین بازیهای مباحثه ای، مسابقه «بسیست سؤالی» برای کسانی که صرفاً جواب بلی یا نه می دهند تمرین خلاق نیست لیکن سؤال کننده مجبور است فکر خود را با انرژی فراوان برای جستجوی راههای مختلف به این سو و آن سو به حرکت در آورد. بازیهای دیگری هستند که برای تمام شرکت کنندگان در آن، تمرین خلاق محسوب می شوند.

بازیهای در هوای آزاد، بر حسب آنکه چگونه انجام شوند، ممکن است مغز ما را کم و بیش تمرین دهند. یک مجری برنامه های تلویزیونی که برنامه هایی درباره ماهیگیری اجرا می کرد ادعا می کند که در ماهیگیری بیش از هر ورزش دیگری تصور خلاق مورد استفاده قرار می گیرد. وی می گوید، «از عصر حجر وقتی بقای انسان اولیه به قدرت تصور وی بستگی داشت، تا این عصر مدرن. موفقیت در تعقیب ماهی بستگی به قدرت ماهیگیر در استفاده از خلاقیتش داشته است»

توماس ادیسون، بر طبق گفته فرزندش چارلز، به حل معما به عنوان تمرین در خلاقیت اعتقاد زیادی داشت. این روزها می توان تمرین خلاقیت را با استراحت توأم نمود مثلاً بعضی جداول کلمات متقاطع، بسیار مبارزه طلبانه بوده، برای آنها لازم است مغز خود را مجبور به کار خلاق کنیم و این خود خلاقیت ما را به نحو بارزی پرورش می دهد...

سرگرمی ها و هنرهای زیبا (اسپورن، ۱۳۷۱)

در حدود ۴۰۰ سرگرمی شناسایی گردیده است که غالباً آنها مربوط به جمع آوری اشیاء و نه خلاقیت می باشد. سرگرمیهای مربوط به جمع آوری اشیاء منجر به ازدیاد دانش و پرورش قوه قضاوت است نه برانگیختن قدرت تصور. از آنجا که سرگرمیها در میزان تمرین خلاقیتی که فراهم می کنند دارای تنوع زیادی هستند. می توان سرگرمیهایی را که مستلزم کوشش قدرت تصور است انتخاب نمود.

به طور کلی کارهای دستی تمرین خلاقیت بیشتری از جمع آوری اشیاء فراهم می سازند. به نظر می رسد که نسبت معکوس بین فعالیت مغزی و فعالیت دستی مناسب وجود دارد. طبق گفته آلفرد نورت وایتهد «عدم استفاده از کارهای دستی که یکی از علل رخوت فکری اریستوکرات ها است.»

کارهای دستی برای ما از نظر خلاقیت دارای اثر بیشتری خواهند بود در صورتی که خود، هم طرح را به وجود آوریم و هم آن را اجرا کنیم. این مطلب در مورد سببسازی، تکه دوزی، منبت کاری، مدل سازی و تعداد زیادی از کارهای دستی دیگر صادق است.

به همان ترتیب تبدیل وسایل خراب و بی مصرف به اشیاء مفید و یا تزئینی برای خلاقیت بسیار مؤثر است.

ما می توانیم قدرت تصور خود را با سعی در ابداع سرگرمیهای جدید افزایش دهیم. یک چنین ابداعی به وسیله دانشمند جوانی در آزمایشگاه تحقیقاتی در وقت اضافی ناهار انجام گرفت که طی آن وی یک مدل کشتی را از شیشه ساخت. چه آموزش سختی برای قدرت تصور وی بود که طرح خویش را ابداع نموده و سپس در هر مرحله راههایی اختراع کند تا بادبان و دکل را از سیلیکای مذاب بسازد.

بسیاری از خلاقان بزرگ ادبیات، سرگرمیهای خلاق داشته اند. ویکتور هوگو، هم اثاثیه خانه می ساخت و هم آنها را طراحی می نمود. وی نه تنها نقاشی می کرد، حتی از تبدیل یک قطره مرکب تر، به یک مجذوب کننده لذت می برد. یکی از این طرحها عنکبوتی در یک تار است که در آن تعداد زیادی عنکبوت ریزه روی تارها در حرکت اند.

هنرهای زیبا مستلزم کاربرد قدرت تصور است، زیرا چنانکه ارسطو بیان می دارد، «باید چیزی را به عرصه وجود آورد». این مطلب در مورد موسیقی، مجسمه سازی، نقاشی و ... صادق است. لیکن نتیجه خلاقیتی که از یک هنر به دست می آوریم بستگی به چگونگی اجرای آن دارد. مثلاً وقتی به طور غیر فعال به موسیقی گوش می دهیم تنها حالت انگیزش قدرت تصور را به وجود آورده ایم، لیکن وقتی بکوشیم آهنگ بسازیم خلاقیت خویش را به نحو فعالی به تمرین در می آوریم...

تکنیک های آموزش خلاقیت در کلاس درس

امروزه همه محققان متفق اند که اساس قدرت انسان ناشی از خلاقیت اوست. تورنس (۱۹۷۹) معتقد است خلاقیت مهمترین اسلحه آدمی است که با آن می توان فشارهای روحی را که به سبب زندگی روزانه و امور غیر منتظره پیش می آید، از بین برد؛ و برای اینکه خلاقیتی ایجاد و پرورش یابد، لازم است فنون و تکنیک هایی رعایت شود و برای این منظور باید زمینه ایجاد و پرورش آن، به صورت فردی و چه گروهی مساعد و مناسب باشد. در ارتباط با تکنیک های پرورش خلاقیت در کلاسهای درس معلم باید به تناسب موضوع درس و موقعیت یادگیری از شیوه های مختلف تدریس استفاده نماید. او باید آموزش و پرورش را که یک جریان نو شوند و مثل رودخانه ببیند، یعنی آموزش و پرورش یک فرایند است و پیوسته در حال تغییر، و بنابر موقعیت بستگی به این دارد که معلم چگونه تشخیص دهد و در هر زمانی از چه تکنیک و یا شیوه ای استفاده نماید که در ادامه به مواردی از روشهای گوناگون تدریس اشاره می شود.

دکتر «رفیقی» می گوید «همه مربیان مهدهای ما روانشناس نیستند چون هیچ روانشناسی حاضر نیست با این دستمزدهای ناچیز در مهد کودک کار کند. جوانی و شادابی از ویژگی های مربی مهد است. تجربیات او را هم باید در نظر گرفت. از طرفی مربی باید در مورد هنر و ادبیات کودک اطلاعات داشته باشد. او باید با بچه ها ارتباط مناسب و مطلوب برقرار کند تا آنها مسائلشان را مطرح کنند و به بیان درونیاتشان بپردازند. در حالی که همه مربیان ما تحصیلات همسو با رشته شان ندارند و فقط برخی از مربیان از روی علاقه شخصی اطلاعاتشان را گسترش داده اند. البته مهد کودک در هر صورت به اجتماعی شدن بچه کمک می کند، به نوبت ایستادن و ... را یاد می گیرد ولی باید بپذیریم که توانایی های او را گسترش نمی دهد».

ویژگی های دیگر آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته دیگر این است که دوره ای به نام دوره پیش دبستانی در این کشورها وجود دارد. در بعضی کشورها همه کودکان این دوره را می گذرانند. این در حالی است که مدیر کل دفتر پیش دبستانی و ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در سال ۸۳ گفته بود، ۶۳ درصد از کودکان واجد شرایط ایرانی از گذراندن دوره پیش دبستانی محروم شده اند.

در هر صورت شیوه های پرورش و آموزش کودکان در کشور ما نیاز به تغییرات جدی دارد. این تغییرات هم باید از بدو تولد آغاز شود، اگر ما کودکانمان را به شیوه ای مناسب پرورش ندهیم، در آینده آنها از داشتن فکری خلاق و انجام کارهای خلاقانه محروم فراهم کرد.

عامل مهم دیگر، برای فراهم کردن جو فیزیکی کلاس، پیش بینی وسایل است که بتوان از طریق آن ها، آثار دانش آموزان را به معرض نمایش گذاشت. وسایلی نظیر: تخته ماهوتی، میز، قفسه و جعبه مقوایی.

در واقع هر آنچه که بتوان از آن برای مهم تر جلوه دادن نمایش اختراعات و آثار شاگردان استفاده کرد، به تحقق این منظور کمک خواهد کرد. می توان ترتیب چیدن میز و نیمکت ها را بر حسب موضوع درسی کلاس تغییر داد و آن ها را به شکل دایره برای بحث های جمعی یا به شکلی که برای کارهای دو سه نفره مناسب باشد، تنظیم کرد. با توجه به هر برنامه درسی، وسایل کمک آموزشی لازم نیز باید در دسترس دانش آموزان باشد؛ وسایلی به نام قطب نما، نقشه، اطلس، نوار کاست، دایرة المعارف و اسباب بازی.

در دسترس بودن چنین وسایلی، به خصوص هنگامی که به آن ها نیاز است، می تواند تأثیری قطعی و مهم در پرورش رفتار خلاق ایفا کند.

عامل فکری-عقلانی

به طور کلی ساختار فکری کلاس زمانی می تواند موجب رشد خلاقیت دانش آموزان شود که نیروی تفکر و اندیشه را در آن ها تقویت کند. به این منظور، معلم باید مسائلی را در کلاس طرح کند که به تحقیق و تأمل نیاز داشته باشند. جو عقلانی مطلوب آن است که بتواند دانش آموز را بر انگیزد. در واقع، انگیزه هایی که به دانش آموزان یک کلاس داده می شود، در آغاز حتماً باید به موفقیت بینجامد، از این طریق، دانش آموز وادار می شود به کوشش های خود ادامه دهد، ریسک کند، تجربه کند و در رویارویی با مسائل پیچیده، شور و اشتیاق بیشتری به خرج دهد.

عامل عاطفی

ساختار عاطفی مناسب در کلاس درس، می تواند توانایی خلاقیت را در همه دانش آموزان شکوفا سازد. جو عاطفی، آن است که دانش آموزان در آن احساس امنیت کنند و قادر باشند نسبت به محرکهای فیزیکی و عقلانی ارائه شده از طرف معلم و همسالان، واکنشی مطلوب از خود نشان دهند. یکی از اساسی ترین قدم ها در این زمینه، پرورش حس کنجکاوی است. از نموده های اساسی کنجکاوی، سوال کردن و یافتن پاسخ است. برای تقویت کنجکاوی، ایجاد فرصت تجربه و تحقیق ضروری است. دانش آموز باید بتواند به مشاهده، آزمایش و جستجوی محیط و اشیای اطراف خویش بپردازد. به طور کلی برای پرورش رفتار خلاق، جو عاطفی کلاس باید شرایطی فراهم آورد که دانش آموزان ضمن آن بتوانند احساس ارزش، تعلق و قدرت کنند. آن ها باید در این محیط، اعتماد به نفس کسب کنند.

سرگرم شدن و بازی و درگیری با پیچیدگی، جنبه دیگری از جو عاطفی به شمار می رود که لازمه ظهور خلاقیت است. بدون درگیری و غرق شدن در کار و مواجهه با ابهامات و اشکالات، دلیلی برای به وجود آمدن افکار خلاق وجود ندارد. بنابراین، معلمان باید با طرح مسائل و مفاهیمی که به تدریج مشکل می شوند، زمینه درگیری فکری را برای دانش آموزان فراهم آورند و آن ها را به تلاش و پشتکار برای حل مسائل و ابهامات تشویق کنند

نقش مدرسه

مدرسه نقش بسیار مهمی در شکوفایی و باروری خلاقیت دانش آموزان ایفا می کند. مدرسه می تواند تفکر خلاق را پرورش دهد و افرادی کاوشگر، آفریننده، نوآور و مولد، تربیت کند. مدرسه به عنوان واحد عملیاتی نظام آموزشی و به عنوان مکانی که تعلیم و تربیت رسمی در آن جریان دارد، می تواند قدرت اندیشه و مهارت ذهنی دانش آموزان خود را چنان تقویت کند که به راحتی بتوانند برای دست یافتن به راه حل های مناسب و واقع بینانه، به خلق ایده های نو بپردازند، یا می تواند، با ارائه تکلیف و نیز عدم توجه به تفاوت های فردی و عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگی های دانش آموزان، سبب شود که قدرت خلاقیت آنان به تدریج کاهش یابد.

به طور کلی فلسفه دیدگاهها و روش هایی که در مدرسه استفاده می شوند و جو یا شرایطی که بر آن ها حاکم است، تأثیر زیادی بر تفکر خلاق دارد. در این خصوص نکته بسیار با اهمیت، اعتقاد و آمادگی مربیان و معلمان برای پذیرش مطالب و مسائل

جدید است. مدرسه ها طبق سنت و عادت بیش تر بر حافظه افراد تکیه می کنند و معلمان تکرار پاسخ های از قبل داده شده را بر فکر کردن ترجیح می دهند.

متأسفانه مدرسه های ما بیش تر دنبال اصل « قطعیت » هستند. اصل قطعیت بر این تفکر استوار است که برای هر پرسش تنها یک پاسخ درست وجود دارد و بقیه پاسخ ها غلط هستند. بدین دلیل آموزش و تدریس به صورت امری تجویزی و تحمیلی در می آید که در فضایی محدود و بسته مطرح می شود، از امکان حرکت و تلاش بسیار می کاهد و در نهایت به کاری خسته کننده تبدیل می شود.

یک مدرسه که برنامه مرتب، اعضای متعهد و معلمان مسؤل دارد، بهترین محیط برای پرورش خلاقیت دانش آموزان است. یک مدرسه خوب که می تواند زمینه ساز تفکر خلاق در دانش آموزان باشد، دارای خصوصیات زیر است:

۱- محیطی دوستانه که در آن از زحمات هر فرد کوشا قدردانی می شود.

۲- فضایی مملو از امنیت خاطر و آزادی عمل حاکم بر آن؛

۳- محیطی که در آن فرصت یادگیری و مسؤلیت پذیری مهیاست؛

۴- محیطی دارای فرصت هایی برای تصمیم گیری؛

۵- وجود امکانات لازم برای ارزشیابی همگانی در آن.

به طور کلی فراهم آوردن زمینه ها و شرایطی که به تقویت تفکر خلاق در مدرسه منجر می شود، دامنه وسیعی دارد که از تغییر در نگرش ها تا روش امتداد می یابد.

برای این که مدرسه بیش ترین نقش را در پرورش خلاقیت کودکان داشته باشد، روان شناسان پیشنهاد کرده اند مسائلی که در مدرسه به یادگیرندگان ارائه می کنند، طبقه بندی شوند و دستاوردهای خلاق آنان مورد تشویق قرار گیرد. همچنین امکان تدریس عملی برای هر درس فراهم شود تا دانش آموزان بتوانند نو آوری های خود را در مدرسه و جامعه به کار گیرند.

نقش معلم

معلم در اعطای توانایی به ابنای بشر، همان نقش طبیعت مهربان را ایفا می کند. با مهرورزی های آهسته و آرام و رهنمودهای در خور و شایسته، توانمندیهای بالقوه و نهادهای هر کودک و نوجوان را پالایش می دهد، جلوه و جلا می بخشد و هر یک را به وادی توانایی رهنمون می سازد.

آیا می توان خلاقیت را به کودکان آموزش داد؟ معلمان چگونه می توانند دانش آموزانی خلاق بپرورانند؟ برای این که یادگیری به خلاقیت منجر شود، باید چگونه عمل کنند؟ معلمان با چه روش هایی می توانند کلاسی فعال، پویا و خلاق داشته باشند

اخیراً پژوهش های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام گرفته اند تا مشخص شود که آیا می توان خلاقیت را آموزش داد و اگر می توان، چگونه؟ و نتیجه اکثرشان این بوده است که خلاقیت را می توان هم آموزش و هم پرورش داد.

نتایج تحقیقات نشان داد که مربیان باید برای پرورش خلاقیت به دانش آموزان امکان تفکر دهند و تا حد امکان آنان را از انجام فعالیتهای قالبی و از پیش تعیین شده بر حذر دارند. مربیان با محدود نکردن کودکان در محیط آموزشی و فراهم کردن وسایل متنوع برای آن ها، می توانند به طور غیر مستقیم موجب از قوه به فعل در آمدن خلاقیت در کودکان شوند.

سرگرم شدن و بازی و درگیری با پیچیدگی، جنبه دیگری از جو عاطفی به شمار می رود که لازمه ظهور خلاقیت است. بدون درگیری و غرق شدن در کار و مواجهه با ابهامات و اشکالات، دلیلی برای به وجود آمدن افکار خلاق وجود ندارد

شاید بتوان گفت قلب عملکرد معلم در رابطه با خلاقیت، شیوه های تدریس مناسب اوست. به طور کلی، برای پرورش خلاقیت، لازم است روش های تدریس اکتشافی و فعال که مبتنی بر فعالیت دانش آموز است، محور تدریس قرار گیرد تا بتوان به یادگیری توأم با خلاقیت دست یافت.

به طور کلی معلمان باید فرصت هایی برای حل مسائل ایجاد کنند که نیازمند تفکر خلاق باشد. شیوه حل مسأله در اغلب برنامه های درسی قابل اجراست. یعنی در هر موضوع درسی می توان مسائل متعددی را طرح کرد و از دانش آموزان خواست آنها را حل کنند.

معلم باید در جریان تدریس از دانش آموزان سؤال هایی بپرسد که آن ها با تکرار آنچه قبلاً یاد گرفته اند، بتوانند به آنها جواب دهند؛ یعنی سؤال هایی که دانش آموزان را به اندیشیدن و می دارد.

معلمان همچنین باید تلاش کند مطالب آموزشی را با توجه به کاربردشان در مسائل واقعی زندگی آموزش دهند. به طوری که دانش آموز بتواند در موقعیت های زندگی، از آنچه در کلاس آموخته استفاده کند. همان طور که بیان شد، شیوه های آموزشی و یاددهی، با رشد خلاقیت دانش آموزان ارتباط مستقیم دارند. روش های تدریس فعال با دادن آزادی عمل به یادگیرنده، به او فرصت می دهد به جست و جو و کشف مسائل بپردازد. بدین ترتیب دانش آموز، خود در فرایند یادگیری دخیل می شود و انگیزه های درونی و به دنبال آن، امکان بروز خلاقیت در او افزایش می یابند.

تورنس برای آموزش خلاقیت، به معلمان پیشنهادهایی ارائه داده است که انجام آن ها خلاقیت دانش آموزان را بیش تر می کند. این پیشنهادات عبارتند از:

- تفکر خلاق را با ارزش بدانید.
- دانش آموزان را به محرک های محیطی حساس تر کنید.
- دستکاری اشیاء و عقاید را تشویق کنید.
- چگونگی آزمودن هر عقیده را به طور منظم آموزش دهید.
- تحمل پذیرش عقاید تازه را توسعه دهید.
- کلاسی با جو خلاق به وجود آورید.
- به کودکان یاد دهید، تفکر خلاق خود را معتبر بدانند.
- مهارت های اجتناب از فشار و تمسخر را به کودکان بیاموزید.
- درباره فرایند خلاقیت به دانش آموزان اطلاعاتی بدهید.
- یادگیری خودانگیخته را تشویق کنید.

- عادت رسیدن به مضمون کامل عقاید را تشویق کنید
- انتقاد سازنده را توسعه دهید نه فقط انتقاد کردن را.
- کسب دانش در رشته های گوناگون را تشویق کنید

معلم و شیوه های پرورش تفکر اخلاق

تعلیم و تربیت به یک معنا عبارت است از رشد قوه قضاوت صحیح در افراد. تقلید از دیگران یا پیروی از تمایلات و عادات، سبب رکود فکری و عجز فرد در برابر مسائل و مشکلات می شود. امروزه جامعه نیازمند افرادی است که فکر و خرد را حاکم بر اعمال و افکار خویش قرار می دهند و مشکلات را به گونه ابتکاری از سر راه خود برمی دارند. اجمالاً وظایف یک معلم در تحقق این هدف بدین شرح است:

* دانش آموزان را به داشتن ایده های بکر و نو تشویق نماید؛ ایده هایی که کم و بیش برای خود آن ها بکر است. ضمن پذیرش ایده های بکر، زمینه ابراز آن ها را فراهم کند. مثلاً، می توان از دانش آموزان خواست که به جای ارائه گزارش ساده از یک کتاب، آن را شخصاً ارزیابی کرده و هر نظری که درباره آن دارند بیان کنند و یا این که فصلی از فصل های سال را توصیف کنند به طور کلی، نقاشی های آزاد، مقاله نویسی و نگارش داستان های کوتاه، زمینه ارائه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش آموزان را بهتر فراهم می کند

* مطالب درسی را به صورت مسأله و معما برای شاگردان طرح کند؛ مطالعه کتاب و یا گوش دادن به سخنان معلم و حفظ کردن حقایق علمی و تاریخی، رشد قوه ابتکار شاگردان را به دنبال ندارد. معلم به جای بیان مطالب درسی یا ذکر حقایق علمی، باید دانش آموزان را به طرح مسائل ترغیب کند.



* معلم باید به دانش‌آموزان اجازه دهد تا مسائل، نظرات و ایده‌های خود را اعلام کنند و این ایده‌ها را روی تخته کلاس درس نوشته و پس از طرح مسائل و ایده‌های خود به آنان اجازه دهد که این مسائل را نقد و بررسی کرده و مورد آزمایش قرار دهند.

راه های پرورش خلاقیت در دانش آموزان

به طور کلی اگر می‌خواهیم ایجاد خلاقیت در دانش آموزان، با موفقیت همراه باشد، باید نگاه خود را فراتر از چارچوب‌ها و عادات معمول وسعت بخشیم. برخی از راه های ایجاد خلاقیت در دانش آموزان را باهم بررسی می‌کنیم.

ایجاد محیطی باز و پذیرا

یکی از اصول مهم افزایش خلاقیت در دانش آموزان امکانی برای آزمون و خطا است. دانش آموزان باید خیالشان راحت باشد که اگر اشتباه کنند، نه سرزنش می‌شوند و نه مورد قضاوت یا تمسخر قرار می‌گیرند.

پرسش و ایجاد فضایی برای حدس‌ها و احتمالات

اگرچه دیکته از فعالیت‌های مهم است که در کلاس درس اجرا می‌شود، توجه کنید که نیازی نیست همه آموخته‌ها به همین روش به دانش آموزان انتقال دهید.

منظور چیست؟ یعنی سعی کنید به جای القای کامل مفاهیم به تعدادی دانش آموز ساکت در فضایی بی روح، آنان را در روند آموزش درگیر کنید. فکرشان را به کار بگیرید. از آن‌ها سوال کنید و بخواهید ادامه حرف‌های شما را حدس بزنند.

تشویق به مطالعه‌ی خلاق

مطالعه و یادگیری نیز نباید صرفاً دیکته‌ی مفاهیم کتاب به ذهن دانش‌آموز باشد. زیرا ذهن انباشته از حفظیات هیچ زمین حاصلخیزی برای پرورش خلاقیت در دانش آموزان نخواهد بود.

از دانش آموز بخواهید درباره چیزی که می‌خواند فکر کند. او باید بتواند درباره آنچه خوانده آزادانه نظر دهد. بزرگترین دشمن خلاقیت در دانش آموزان محدودکردن افکار و نتیجه‌گیری‌های او به قواعد و اصول مورد انتظار است.

درست است که نیت آموزش اصول صحیح است. اما دانش آموز باید مسیر تفکر طبیعی را به سمت آن اصول طی کند.

استفاده از روش اکتشاف

روش‌های اکتشافی به مجموعه روش‌های تدریسی گفته می‌شود که در آن دانش آموز در مسیر تجربه کردن قرار می‌گیرد و مراحل را طی می‌کند که او را به نتیجه مورد نظر می‌رساند. این روش‌ها خصوصاً در تدریس علوم و ریاضی بسیار کاربردی هستند.

مدارس باید فضای کافی را برای به کارگیری روش‌های اکتشافی برای پرورش خلاقیت در دانش آموزان فراهم کنند.

داستان پردازی و همراه کردن دانش آموزان در مسیر آموزش

یکی از روش‌های خلاقانه تدریس، استفاده از داستان و تمثیل برای انتقال مفاهیم است که از دیرباز کاربرد آموزشی و تربیتی داشته است. داستان پردازی همچنین یکی از راه های پرورش خلاقیت در دانش آموزان است. زیرا علاوه بر فکر، عواطف آنان را نیز به کار می‌گیرد.

استفاده از انواع بازی‌های فکری

خوشبختانه امکانات آموزشی روزبه‌روز گسترش بیشتری می‌یابد. بازی‌های فکری متنوع و فراوانی طراحی شده‌اند که می‌توانند در پرورش خلاقیت دانش آموزان مؤثر باشند.

این بازی‌ها ذهن، قدرت تفکر، استدلال و تصمیم‌گیری را در دانش آموزان افزایش می‌دهند. به همین دلیل می‌توانند از راه های ایجاد خلاقیت در دانش آموزان باشند.

استفاده از بازی های آموزشی

بازی های آموزشی، به بازی هایی گفته می شود که خاص کلاس های درس و برای دانش آموزان و آموزگاران طراحی شده اند. این بازی ها ویژگی هایی دارند. از جمله این که با فضای کلاس یا حیاط مدرسه تناسب دارند؛ برای تعداد دانش آموزان یک کلاس قابل اجرا هستند؛ اهداف نهایی آن ها آموزشی است و به یادگیری منجر می شود.

البته تأثیر ضمنی این بازی ها ایجاد فضای شاد و پویا برای یادگیری و افزایش ارتباط صمیمانه میان دانش آموزان و آموزگاران است.

جهت گیری خلاقیت در سازمان های آموزشی

* در اغلب آموزش های سنتی، فراگیران فقط در معرض مطالب و مهارت های ارائه شده از طرف معلم یا مدیر قرار گرفته و مطابق برنامه از پیش تعیین شده حتی در جزئیات به پیش می روند. در آموزش خلاقانه، فراگیرنده خود نقش فعال ایفا کرده و مربی به جز در کلیات و جهت اصلی آموزش، نقش تعیین کننده ای ندارد.

* برنامه های آموزش و محتوای مطالب حتی الامکان باید موجب رشد و توسعه تفکر و اگر به جای تفکر همگرا در فراگیران شود.

* شناخت علائق و انگیزه عاطفی و غیرعاطفی هر یک از فراگیران برای پیشبرد امر آموزشی ضروری است.

* مباحث و فنون مطرح شده در هر مرحله از آموزش و پرورش فراگیرندگان باید کاربردی ملموس و عملی در زندگی و کار فرد داشته باشد. * امید به آینده و ایمان و اعتقاد به آنچه پس از تلاش و استمرار نصیب فراگیر خواهد شد باید در دوره های آموزش خلاقیت مورد تأکید قرار گرفته تا انگیزه بیشتری برای فراگیرنده به وجود آید.

* تجسم وضع آینده مسأله و مقایسه آن با وضعیت فعلی، کمک مفیدی به یافتن راه حل های بدیع خواهد کرد.

اصولاً استعداد خلاق در محیط های مطلوب، شکوفا و متبلور می شود بنابراین یکی از الزامات و روش های مهم برای تبلور خلاقیت، ایجاد فضای محرک، مستعد و به طور کلی خلاق است.

در سازمان های آموزشی علاوه بر این که چنین فضایی باید برای معلمان و مدیران مهیا باشد، معلمان نیز باید زمینه لازم و فضای مطلوب را برای دانش آموزان فراهم کنند.

نتیجه گیری :

خلاقیت و نوآوری محرک اصلی تمدن هاست. تلفن، اتومبیل، هواپیما، رادیو، تلویزیون، رایانه، الکترونیک، قدرت اتمی و مسافرت های فضایی و خلق ادبیات و انواع هنرها و ... نقاط عطفی از اختراعات و اکتشافات و نمودی ارزشمند از تفکر و ذهن خلاق بشر است. بنابراین، برای پیشرفت در صنعت، اقتصاد، سیاست و همه علوم، نیازمند تفکری خلاق و نوآور هستیم؛ خلاقیتی که در ضمیر همه ما نهفته و در نحوه زندگی ما تأثیر دارد. تحولات سریع عصر کنونی ما، نیازمند حل مسائل و مشکلات به گونه ای خلاق است. هرچند علم، توسعه و پیشرفت نیاز اولیه بشر امروزی است، ولی باید دانست که علم به خودی خود، ضامن حل بسیاری از مسائل و مشکلات آینده ای که ما با آن ها مواجه خواهیم شد نیست، تنها نیروی فوق العاده و قدرتمند خلاقیت است که می تواند مسائل و مشکلات را به طرز خارق العاده ای از سر راه بشر بردار آگاهی و شناخت خود موضوعی که بر زندگی تأثیرگذار است. به خصوص اگر از دوران کودکی این شناخت اتفاق بیافتد. بر اساس مطالعات انجام شده، آموزش راهکارهایی برای ارتقای آگاهی دانش آموزان ابتدایی، نقش مهمی در شکوفایی استعداد آنها دارد. این موضوع می تواند تأثیر مثبتی بر رشد شخصیتی دانش آموزان داشته باشد و در نهایت به ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری در دوران ابتدایی کمک میکند. در اینجا ما به تعریف آگاهی از خود می پردازیم و عوامل موثر بر رشد این آگاهی را ذکر می کنیم. در نهایت راهکارهایی برای شکوفایی استعداد در دانش آموزان بخصوص ابتدایی را بررسی می کنیم. تأثیر محیط آموزشی بر خلاقیت از جنبه های متفاوتی مانند شرایط فیزیکی، روابط عاطفی بین افراد، زمینه های علمی و یادگیری، طرز نشستن، انگیزه کار و ... است. نقش مدیر از حیث ایجاد فضای صمیمانه و ملو از امنیت عاطفی و به معنی واقعی علمی، فعال و مناسب برای یادگیری بر پرورش خلاقیت تأثیر زیادی دارد. علاوه بر نقش مهم مدیر، معلم نیز نقش کلیدی ایفاء می کند. رابطه عاطفی با دانش آموزان و رابطه آموزشی و یاددهی معلم دو جنبه مشهود تأثیرگذاری او در فرایند پرورش خلاقیت است. خلاقیت، برای شکوفایی، نیازمند توجه و سیاست گذاری آموزشی و تربیتی نظام تعلیم و تربیت است. از طرف دیگر، آموزش و پرورش به

مناظره محور و کلید توسعه و سعادت بشر ، نیازمند مغزهای متفکر و ابداع کنندگان روشهای نو برای حل مشکلات جامعه انسانی است که گردانندگان آن را نظام آموزشی ، تربیت می کند.

منابع :

- علیرضا پیر خائفی،(۱۳۸۸) پرورش خلاقیت مبانی و رشد ها .انتشارات هزاره ققنوس
- غلامعلی افروز ،(۱۳۷۳)نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان
- اسپورن الکس،(۲۰۰۸)،پرورش و استعداد های همگانی ابداع خلاقیت ترجمه حسین قاسم زاده انتشارات نیلوفر
- علی محمدی(۱۳۸۹)،پایان نامه:روشهای پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان خلاقیت در کودکان و نوجوانان
- محمد ربیع سام خانیان،(۱۳۸۹)،خلاقیت و نوآوری آموزشی انتشارات رسانه تخصصی .
- غلامعلی افروز(۱۳۷۵)، نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان
- غلامعلی افروز(۱۳۸۵)، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان .تهران انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- غلامعلی افروز(۱۳۸۸)، چکیده ای از روان شناسی تربیتی کاربردی،انتشارات ارسباران
- ۱۰-فیض بخش . سید علی اکبر (۱۳۸۰)نگاهی نو به روانشناسی آموختن یا روانشناسی تغییر رفتار . تهران . چاپ تهران
- ۱۱-شکوهی یکتا . محسن و پرند . اکرم (۱۳۸۶) روانشناسی و آموزش تیز هوشان نشر طبیب
- ۱۲- ماکسول مالتز (۲۰۰۷)،سایکوسپیرنیتیک روانشناسی خلاقیت .ترجمه مهدی قراجه داغی . انتشارات شباهنگ.
- ۱۳- میر محمد سید عباس زاده (۱۳۸۰)،روشهای عملی تحقیق در علوم انسانی. ارومیه . دانشگاه ارومیه